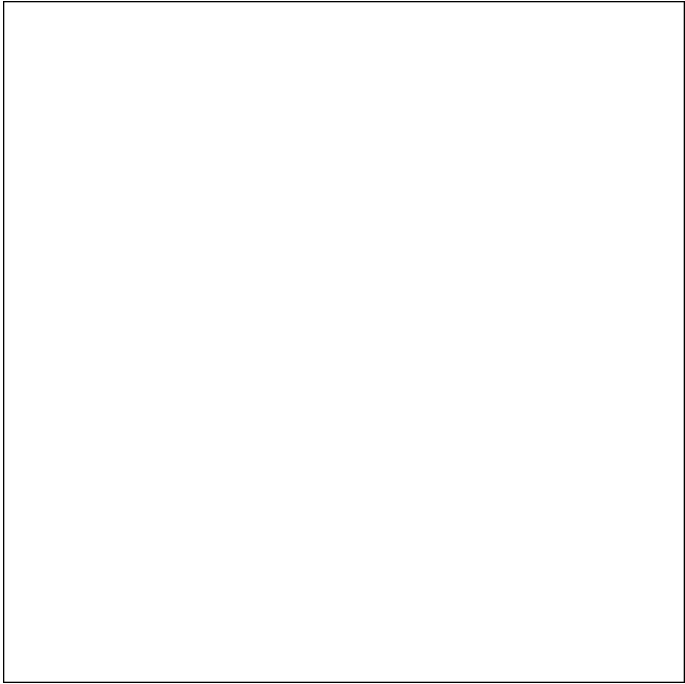


داستان مانی



LIDA Italia
Vilius Aistis Vilimas
Sam Saf
4
فارسی

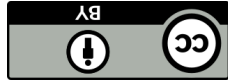


LIDA Stories

lidastories.net

داستان مانی

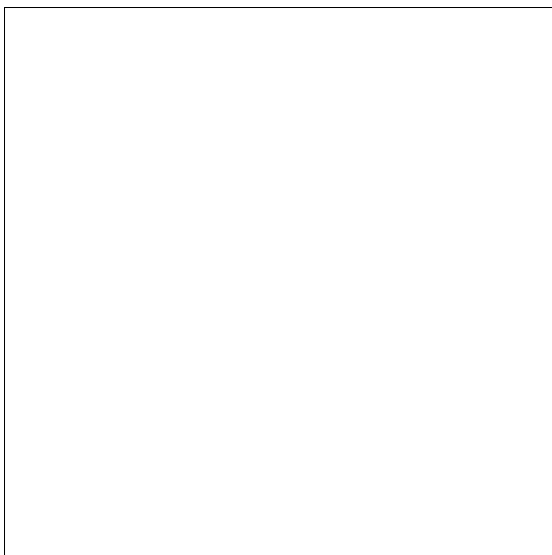
LIDA Italia
Vilius Aistis Vilimas
Sam Saf



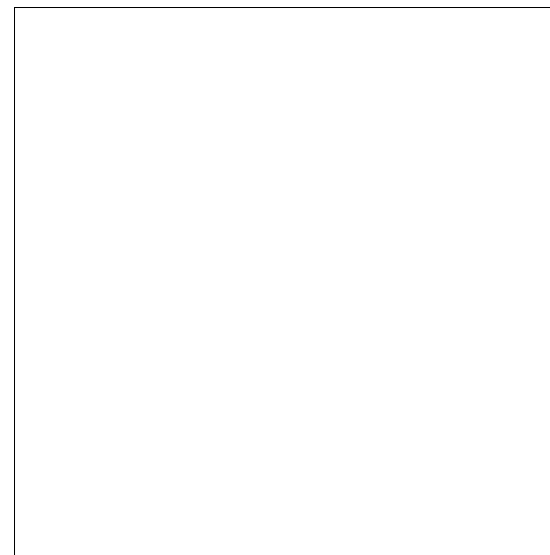
This work is licensed under a Creative Commons [Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0). <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



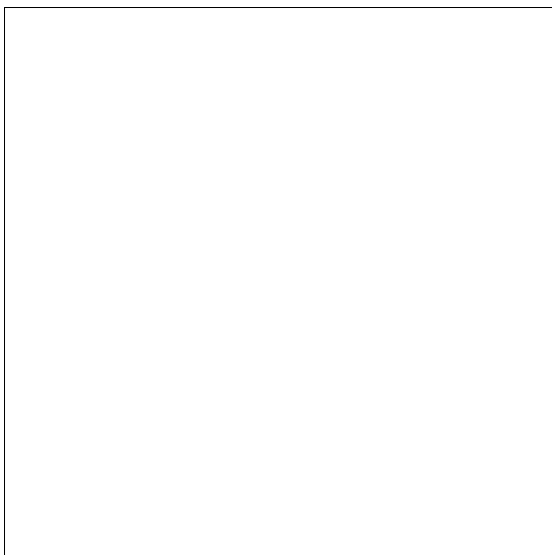
اسم من هلك و سى و نه بلامه. من در افغنسٹن بدنيچ اومدم.
دين من بدين رايچ افغنسٹن فرق مي كنه.



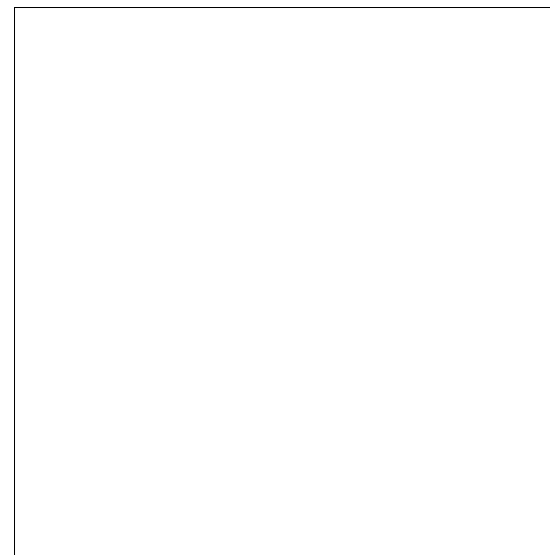
چند سال پیش اونجا جنگ بود. می ترسیدم که کشته بشم.
من خانواده ام رو برای شروع یک زندگی جدید، ترک کردم و
به اروپا رفتم.



بعد از اتهام بدگیری زین، من شروع به کار کردم. من اول در
یک رستوران کار کردم و بعد از اون معلم شدم. چون من
میخواهم به دیگران کمک کنم.



بلاخره رسیدم. اونجا چندتا هموطن رو دیدم که بهم کمک کردن. نمی دونم بدون اونها من چیکار می کردم.



من شروع به یادگیری زبَن کردم، اه سخت بود. من میدونستم که یاد گرفتن زبَن برای گر پیدا کردن، مهمه.